

به نام خدا

خصوصی سازی در بخش صنعت (با تأکید بر صنایع فولاد)

فهرست مطالب

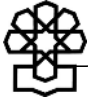
۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	۱. اهداف و رویکردهای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی و قانون اجرای آن
۶.....	۲. عملکرد قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی
۹.....	۳. واگذاری سهام شرکت‌های دولتی در بخش صنعت
۱۲.....	۴. واگذاری سهام دولت در شرکت‌های فولاد
۲۳.....	۵. چالش‌های پیش روی خصوصی سازی صنعت فولاد
۲۳.....	۵-۱. نبود بازار سرمایه متناسب با حجم واگذاری‌ها
۲۴.....	۵-۲. عدم واگذاری مدیریت همزمان با واگذاری مالکیت
۲۵.....	۵-۳. واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های فولاد به سهام عدالت
۲۶.....	۵-۴. دستوری بودن تولید و عدم موازنه عرضه متناسب با تقاضای موجود
۳۲.....	۵-۵. هدفمندسازی یارانه‌ها و خصوصی سازی صنایع فولاد
۳۲.....	جمع بندی و نتیجه گیری
۳۷.....	منابع و مأخذ



خصوصی سازی در بخش صنعت (با تأکید بر صنایع فولاد)

چکیده

یکی از بخش‌های مهم اقتصادی و صنعتی کشور که درگیر اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی می‌باشد، صنعت فولاد کشور است. بررسی عملکرد اجرای این سیاست‌ها در صنعت فولاد نشان می‌دهد که اولاً در این صنعت همانند سایر بخش‌ها، در اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، عمدتاً به موضوع واگذاری سهام شرکت‌های دولتی تأکید شده است، ثانیاً عمده واگذاری‌ها در قالب طرح توزیع سهام عدالت یا رد دیون دولت به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی بوده است، ثالثاً در خصوص واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی این نکته وجود دارد که این بخش از سهام، به‌طور کامل به بخش خصوصی واقعی واگذار نشده، بلکه واگذاری‌های انجام شده به شبه‌دولتی‌ها (به استثنای رد دیون) نیز در این آمار مستتر می‌باشد که البته واگذاری سهام به این مؤسسات و نهادها نیز مشکلاتی همچون مدیریت مجدد دولت بر شرکت‌های واگذار شده و نیز عدم افزایش کارایی در این شرکت‌ها و... را در پی خواهد داشت. رابعاً مهلت زمانی مورد نظر برای واگذاری سهام شرکت‌های فولاد (خارج صدر اصل چهل و چهارم قانون اساسی)، پایان برنامه چهارم توسعه بوده که هنوز هم برخی از شرکت‌های مذکور به بخش‌های غیردولتی واگذار نشده است.



علاوه بر این، نتایج این بررسی نشان داد که از دلایل روند کندی واگذاری سهام شرکت‌های دولتی در صنعت مذکور و نیز انحراف این واگذاری‌ها (واگذاری سهام به شبه‌دولتی‌ها)، عدم حضور و مشارکت بخش خصوصی واقعی برای سرمایه‌گذاری است. این موضوع نیز نشئت گرفته از عدم وجود فضای مناسب رقابتی برای فعالیت اقتصادی، دستوری بودن میزان تولید در صنعت فولاد، مداخله دولت در امور مدیریتی شرکت‌های واگذار شده و نیز عدم اطمینان بخش خصوصی به سیاست‌های اقتصادی دولت (هدفمند کردن یارانه‌ها، سیاست‌های ارزی، سیاست‌های تعرفه‌ای واردات و...) می‌باشد.

ضمناً خاطر نشان می‌سازد، واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های بزرگ فولاد به طرح توزیع سهام عدالت، از میل و رغبت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای مشارکت در این صنعت می‌کاهد، زیرا نگاه درآمدی این سهام‌داران برای دریافت سود سهام خود و نیز مدیریت ناکارآ و بی‌تجربه آنها بر شرکت‌های مربوطه، تأمین مالی طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای و نیز آینده شرکت‌های فعال در این صنعت را با چالش مواجه می‌کند.

مقدمه

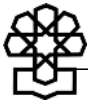
سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی با اهدافی چون، شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت عمومی و تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و افزایش بهره‌وری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، کاستن



از بار مالی و مدیریتی دولت و افزایش سطح عمومی اشتغال، ازسوی مقام معظم رهبری به سران قوا ابلاغ گردید. این سیاست‌ها برای دستیابی به اهداف، بر محورهای مختلفی استوار است که توسعه و توانمندسازی بخش غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی به بخش غیردولتی از جمله این محورهاست. عملکرد دستگاه‌های اجرایی نشان می‌دهد که احکام و رویکردهای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی، به‌طور کامل و جامع ازسوی دستگاه‌های متولی اجرا و رعایت نشده و عملکرد دستگاه‌های اجرایی درخصوص این سیاست‌ها، به موضوع واگذاری سهام شرکت‌های دولتی و آن هم عمدتاً واگذاری این سهام در قالب طرح توزیع سهام عدالت و بابت رد دیون به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و به نوعی شبه‌دولتی‌ها معطوف شده است، لذا با این شرایط، دستیابی به اهداف مورد نظر در سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی، دور از انتظار خواهد بود. در این گزارش ضمن تشریح اهداف و رویکردهای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی و قانون اجرای آن، مهمترین چالش‌های اجرای برنامه خصوصی‌سازی در صنعت فولاد به بحث و بررسی گذاشته می‌شود.

۱. اهداف و رویکردهای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی و قانون اجرای آن

سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طی دو مرحله و در پنج بند به شرح ذیل ازسوی مقام معظم رهبری به سران قوا ابلاغ گردید:



الف) سیاست‌های کلی توسعه بخش غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی،

ب) سیاست‌های کلی بخش تعاونی،

ج) سیاست‌های کلی توسعه بخش غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی،

د) سیاست‌های کلی واگذاری،

ه) سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار.

اهداف سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی به شرح ذیل می‌باشد:

- شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی،

- گسترش مالکیت در سطح عمومی مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی،

- ارتقای کارآیی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری،

- افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی،

- کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی،

- افزایش سطح عمومی اشتغال،

- افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی،

- تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها.

در بند «الف» این سیاست‌ها، دولت مکلف شده است تا ضمن عدم شروع فعالیت

جدید در موارد خارج از صدر اصل چهارم قانون اساسی، نسبت به واگذاری

کلیه فعالیت‌هایی که مشمول عناوین صدر این اصل نباشد به بخش‌های تعاونی،

خصوصی و عمومی غیردولتی حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه



(سالیانه حداقل ۲۰ درصد)، اقدام کند.

در بند «ب» که سیاست‌های کلی بخش تعاونی مطرح شده نیز دولت مکلف شده است تدابیری اتخاذ کند تا سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور تا پایان برنامه پنجم توسعه (سال ۱۳۹۳) به ۲۵ درصد برسد. اقدام دولت برای ایجاد تعاونی‌ها با هدف اشتغال‌زایی، تأسیس شرکت‌های تعاونی سهامی عام، تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی، تشکیل بانک توسعه تعاون با سرمایه دولت و... از جمله حمایت‌های مورد تأکید در این بند هستند.

در بند «ج» سیاست‌ها، تحت عنوان سیاست‌های کلی توسعه بخش غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی، بر تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم به سیاستگذاری، هدایت و نظارت و توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی تأکید شده است. براساس این بند، واگذاری ۸۰ درصد از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل چهارم قانون اساسی، به بخش‌های خصوصی، شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی مجاز شمرده شده است.

در واقع بند «الف» سیاست‌ها، ناظر به آزادسازی فعالیت‌های اقتصادی، بند «ب» سیاست‌ها، ناظر بر توسعه بخش تعاونی و بند «ج» سیاست‌ها، ناظر بر خصوصی‌سازی اقتصاد ایران است.

در بند «د» این سیاست‌ها نیز به دلیل اهمیت موضوع واگذاری‌ها، به الزامات واگذاری و نحوه مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری پرداخته شده است. در این بند، علاوه بر لزوم توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در اداره بنگاه‌های اقتصادی بزرگ، بر استفاده از روش‌های معتبر و سالم واگذاری از طریق بورس و



همچنین تقویت تشکیلات واگذاری و برقراری شفاف‌سازی در اطلاع‌رسانی و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه و استفاده از روش‌های عرضه تدریجی سهام شرکت‌های بزرگ، تأکید شده است.

در بند «ه» سیاست‌ها، با عنوان سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار نیز، بر تداوم اعمال حاکمیت دولت از طریق سیاستگذاری و اجرای قوانین و مقررات و نظارت و جلوگیری از نفوذ و سیطره بیگانگان بر اقتصاد ملی از طریق تصویب و تنظیم قوانین و مقررات جدید تأکید شده است.

علاوه بر سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی، مقام معظم رهبری در نامه‌ای خطاب به رئیس محترم جمهور، با اختصاص درصدی از سهام شرکت‌های صدر اصل چهارم قانون اساسی در قالب طرح توزیع سهام عدالت موافقت کردند. در این نامه، فروش اقساطی تا ۵۰ درصد از سهام قابل واگذاری بند «ج» سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی، مجاز شمرده شده است.

۲. عملکرد قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی

اطلاعات جدول ۱ بخش‌هایی را که سهام شرکت‌های دولتی به آنها واگذار شده نشان می‌دهد. براساس این جدول، از سال ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۹، سهام ۳۲۹ شرکت دولتی به ارزش ۶۹۸۸۳۱ میلیارد ریال به بخش‌های خصوصی، تعاونی (سهام عدالت) و عمومی غیردولتی (بابت رد دیون دولت) واگذار شده است که از این میزان، سهام ۲۷۰ شرکت



دولتی به ارزش ۲۳۸۰۸۰ میلیارد ریال به بخش خصوصی،^۱ سهام ۸۰ شرکت دولتی به ارزش ۱۱۸۶۴۳ میلیارد ریال به بخش عمومی غیردولتی (بابت رد دیون دولت) و سهام ۵۶ شرکت دولتی به ارزش ۲۴۲۱۰۸ میلیارد ریال به بخش تعاونی (سهام عدالت) واگذار شده است. البته آمار و اطلاعات این جدول حاکی از آن است که میزان واگذاری‌ها در طول سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹ در حال افزایش بوده است، به گونه‌ای که در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹ به ترتیب سهام ۵۰، ۶۱، ۱۴۱، ۸۰، ۱۰۶ و ۵۳ شرکت دولتی به بخش‌های غیردولتی واگذار شده است، اما با این حال، از مجموع ارزش سهام واگذار شده شرکت‌های دولتی، تنها ۳۴ درصد آن به بخش خصوصی واگذار شده و مابقی به بخش عمومی غیردولتی بابت رد دیون دولت (۱۷ درصد) و بخش تعاونی از طریق سهام عدالت (۴۹ درصد) واگذار شده است. علاوه بر این، طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹ تعداد ۶۴۷۶ میلیون سهام ترجیحی به ارزش ۱۰۲۶۰ میلیارد ریال به کارکنان شرکت‌های دولتی واگذار شده است.

۱. البته سهام واگذار شده به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و همچنین شبه‌دولتی‌ها صرفاً در قالب رد دیون نبوده و خریدار بخشی از سهام شرکت‌های واگذار شده، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی‌ها نیز بوده‌اند، که این رقم در آمار و اطلاعات ارائه شده از سوی دولت، در قالب واگذاری سهام به بخش خصوصی آمده است، لذا با کسر سهام واگذار شده به مؤسسات و نهادهای مذکور (به استثنای رد دیون)، میزان واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی (و نه شبه‌دولتی‌ها) مشخص می‌گردد که قطعاً این رقم، کمتر از میزان آمار ارائه شده از سوی دولت خواهد بود.

جدول ۱. عملکرد واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به بخش‌های مختلف اقتصادی

ردیف	عنوان	بخش اقتصادی مربوطه	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	*۱۳۸۹	جمع کل	
۱	ارزش سهام واگذار شده (میلیارد ریال)	بخش خصوصی	۷۶۴	۳۶۵۵	۴۵۰۱۸	۴۰۷۶۳	۱۱۹۸۳۸	۲۸۰۴۲	۲۳۸۰۸۰	
		بخش عمومی								
		غیردولتی (رد دیون)			۲۷۴۸۲	۳۱۲۴۰	۵۹۹۲۱		۱۱۸۶۴۳	
		بخش تعاونی (سهام عدالت)		۲۱۷۳۵	۱۷۷۴۳۷	۱۴۲۹۳۶			۳۴۲۱۰۸	
	جمع کل	۷۶۴	۲۵۳۹۰	۲۴۹۹۳۷	۲۱۴۹۳۹	۱۷۹۷۵۹	۲۸۰۴۲	۶۹۸۸۳۱		
۲	تعداد شرکت‌های واگذار شده (کامل یا بخشی از سهام)	بخش خصوصی	۵۰	۵۲	۸۵	۵۷	۶۹	۵۳	۲۷۰	
		بخش عمومی غیردولتی (رد دیون)								
		بخش تعاونی (سهام عدالت)		۱۴	۳۹	۱۴				۵۶
		جمع کل (بدون احتساب شرکت‌های تکراری)	۵۰	۶۱	۱۴۱	۸۰	۱۰۶	۵۳		۳۲۹
۳	ارزش سهام واگذار شده (میلیارد ریال)	ارزش سهام	۲۰	۳۴	۲۱۷۷	۴۰۶۲	۲۸۸۳	۱۰۸۳	۱۰۲۶۰	
		تعداد سهام واگذار شده (میلیون سهم)	۱۴	۷	۹۹۴	۲۷۶۴	۲۳۵۵	۳۴۱		۶۴۷۶

مأخذ: گزارش عملکرد اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی، سازمان خصوصی‌سازی، مردادماه ۱۳۸۹.
* آمار و اطلاعات سال ۱۳۸۹، چهارماهه است.





۳. واگذاری سهام شرکت‌های دولتی در بخش صنعت

طبق ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، فعالیت‌های اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران به سه گروه ذیل تقسیم می‌شود:

- ۱۰۰ درصد فعالیت‌های گروه یک، طبق بند «الف» ماده (۳) قانون مذکور باید تا پایان برنامه چهارم توسعه به بخش غیردولتی واگذار گردد.

- ۸۰ درصد فعالیت‌های گروه دو، طبق بند «ب» ماده (۳) قانون مذکور باید تا پایان برنامه پنجم توسعه به بخش غیردولتی واگذار گردد.

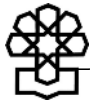
- فعالیت‌های گروه سه نیز جزء استثنائات می‌باشند که باید به‌طور کامل در اختیار دولت باقی بماند.

طبق تقسیم‌بندی انجام شده توسط دولت، شرکت‌های قابل واگذاری زیرمجموعه وزارت صنایع و معادن شامل ۱۸۰ شرکت گروه یک و ۱۵ شرکت گروه دو می‌باشد. در جدول ۲ تعداد این شرکت‌ها به تفکیک آمده است.

جدول ۲. شرکت‌های قابل واگذاری زیرمجموعه وزارت صنایع و معادن

وزارت صنایع و معادن	سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (شرکت مادر تخصصی)	
	۱۰۴ شرکت گروه ۱	۴ شرکت گروه ۲
وزارت صنایع و معادن	سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (شرکت مادر تخصصی)	
	۴۶ شرکت گروه ۱	۸ شرکت گروه ۲
وزارت صنایع و معادن	سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران (شرکت مادر تخصصی)	
	۳۰ شرکت گروه ۱	۳ شرکت گروه ۲
مجموع شرکت‌های قابل واگذاری وزارت صنایع و معادن		
۱۸۰ شرکت گروه ۱		
۱۵ شرکت گروه ۲		

مأخذ: آیین‌نامه اجرایی «تشخیص، انطباق و طبقه‌بندی فعالیت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی»، (مصوب ۱۳۸۷/۶/۷ هیئت وزیران).



آمار و اطلاعات جدول ۳ نیز میزان واگذاری سهام شرکت‌های دولتی زیرمجموعه وزارت صنایع و معادن را طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹ نشان می‌دهد. طبق این جدول، طی سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۹، بیش از ۱۰ میلیارد سهم ۷۷ شرکت زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران به ارزش ۲۸،۶۷۳ به بخش غیردولتی واگذار شده و سهام ۴۴ شرکت زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران نیز به تعداد بیش از ۱۰ میلیون سهم و ارزش ۶۳،۵۱۷ میلیارد ریال به بخش غیردولتی واگذار شده است.

جدول ۳. روند واگذاری سهام شرکت‌های زیرمجموعه وزارت صنایع و معادن

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران		سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران				
سال	تعداد شرکت‌های واگذار شده	تعداد سهام واگذار شده	مبلغ سهام واگذار شده (میلیارد ریال)	تعداد شرکت‌های واگذار شده	تعداد سهام واگذار شده	مبلغ سهام واگذار شده (میلیارد ریال)
۱۳۸۴	۸ شرکت	۵۵,۸۱۱,۵۸۲	۲۴۷	۲ شرکت	۸,۸۱۰,۲۶۰	۲۱۲
۱۳۸۵	۵ شرکت	۲۱۵,۳۵۲,۹۹۸	۹۸۹	۴ شرکت	۹۸۵,۱۳۹,۴۱۹	۲,۵۴۳
۱۳۸۶	۲۴ شرکت	۴,۸۶۹,۰۷۳,۸۷۰	۷۴۲	۱۰ شرکت	۶,۱۲۰,۵۹۳,۲۱۹	۳۳,۵۹۱
۱۳۸۷	۱۳ شرکت	۷۷۳,۸۰۴,۲۵۵	۲,۷۳۹	۸ شرکت	۱,۷۸۵,۳۵۱,۰۹۵	۲۳,۴۲۶
۱۳۸۸	۱۵ شرکت	۲۸۶,۳۰۷,۳۱۶	۱,۶۶۶	۹ شرکت	۱۸۲,۶۷۰,۱۵۹	۱,۲۵۳
*۱۳۸۹	۱۲ شرکت	۴,۰۹۱,۸۷۶,۵۱۸	۲۲,۲۹۰	۱۰ شرکت	۱,۱۱۰,۴۸۴,۱۹۹	۲,۴۹۳
مجموع	۷۷ شرکت	۱۰,۲۹۲,۲۲۶,۵۳۹	۲۸,۶۷۳	۴۴ شرکت	۱۰,۱۹۳,۰۴۸,۳۵۱	۶۳,۵۱۷

مأخذ: با استفاده از گزارش عملکرد اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، سازمان خصوصی‌سازی، مردادماه ۱۳۸۹.

* آمار و اطلاعات سال ۱۳۸۹، چهارماهه است.



آمار و اطلاعات جدول ۴ نیز سهم واگذاری سهام شرکت‌های دولتی زیرمجموعه وزارت صنایع و معادن را از کل واگذاری سهام شرکت‌های دولتی در طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹ نشان می‌دهد. طبق این جدول، در تمامی سال‌های این دوره به‌استثنای سال ۱۳۸۸، سهم بخش صنعت از واگذاری سهام شرکت‌های دولتی، بیش از ۶۰ الی ۷۰ درصد بوده است. در مجموع، طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹، سهم بخش صنعت از مجموع واگذاری سهام شرکت‌های دولتی معادل ۳۸/۸ درصد بوده است.

جدول ۴. سهم واگذاری‌های بخش صنعت از کل واگذاری‌ها

سال	مبلغ کل واگذاری‌ها (میلیارد ریال)	مبلغ سهام واگذار شده در بخش صنعت (میلیارد ریال)	سهم بخش صنعت از واگذاری‌ها (درصد)
۱۳۸۴	۷۶۴	۴۵۹	۶۰/۱
۱۳۸۵	۳,۶۵۵	۳,۵۳۲	۹۶/۶
۱۳۸۶	۴۵,۰۱۸	۳۴,۳۳۲	۷۶/۳
۱۳۸۷	۴۰,۷۶۳	۲۶,۱۶۵	۶۴/۲
۱۳۸۸	۱۱۹,۸۴۸	۲,۹۱۸	۲/۴
*۱۳۸۹	۲۸,۰۴۲	۲۴,۷۸۳	۸۸/۴
مجموع	۲۳۸,۰۸۰	۹۲,۱۹۰	۳۸/۸

مأخذ: همان.

* آمار و اطلاعات سال ۱۳۸۹، چهارماهه است.



۴. واگذاری سهام دولت در شرکت‌های فولاد

جدول ۵، اطلاعات شرکت‌های فولاد، میزان سهام و ارزش آنها را طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹ نشان می‌دهد. طبق این جدول، بیش از ۷ میلیارد سهم ۱۰ شرکت فولاد به ارزش ۴۲۰۶۶۷۳۶ میلیون ریال طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹ به بخش غیردولتی واگذار شده است. شرکت‌های فولاد خوزستان، فولاد مبارکه، فولاد خراسان، آهن و فولاد غدیر ایرانیان و... از جمله این شرکت‌ها هستند.

جدول ۵. شرکت‌های فولاد واگذار شده طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹

سال	تعداد کل سهام شرکت	نام شرکت	واگذار شده	
			تعداد سهام	مبلغ (میلیارد ریال)
۱۳۸۴	۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰	نورد و لوله اهواز	۳۴۶,۸۰۰	۰/۳
۱۳۸۵	۱۵۸,۰۰۰,۰۰۰	فولاد مبارکه	۶۴۸,۰۷۷,۴۳۱	۱,۲۴۱
۱۳۸۶	۵۰,۰۰۰	فولاد آلیاژی ایران	۷۷۰	۹
	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	فولاد خراسان	۷۴,۰۱۷,۰۰۰	۲۴۴
	۲,۱۹۲,۰۰۰,۰۰۰	فولاد خوزستان	۲۰۸,۲۳۸,۴۳۱	۶۱۷
	۱۵۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	فولاد مبارکه	۴,۰۶۳,۵۱۲,۲۸۲	۱۷,۶۳۱
۱۳۸۷	۴,۵۰۰,۰۰۰	فولاد کرمان	۲,۲۹۵,۰۰۰	۳۳
	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	فولاد خراسان	۴۰۶,۳۲۲,۸۵۰	۵,۰۱۲
	۲,۱۹۲,۰۰۰,۰۰۰	فولاد خوزستان	۶۶۸,۵۶۰,۰۰۰	۱۳,۶۴۱
۱۳۸۸	۱۵۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	فولاد مبارکه	۱۵۹,۳۵۶,۴۱۵	۷۴۷
	۲۶۰,۰۰۰,۰۰۰	آهن و فولاد غدیر ایرانیان	۲۵,۲۴۹,۶۴۹	۶۹
	۱۵۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	فولاد مبارکه	۲۹,۴۷۹,۳۸۸	۵۹

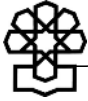


سال	تعداد کل سهام شرکت	نام شرکت	واگذار شده	
			تعداد سهام	مبلغ (میلیارد ریال)
	۳۰,۸۸۹,۵۰۰	فولاد میبد	۱۵,۰۰۰,۰۰۰	۵۱
	۱۱۲,۳۸۵,۱۰۰	گروه ملی صنعتی فولاد ایران	۱۱۲,۳۸۵,۱۰۰	۱,۰۱۲
*۱۳۸۹	۲۶۰,۰۰۰,۰۰۰	آهن و فولاد غدیر ایرانیان	۷۵۰,۳۵۱	۲
	۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	فولاد اکسین خوزستان	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۶۷۶
	۱۵۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	فولاد مبارکه	۲,۰۰۰,۰۰۰	۵
	۲,۱۹۲,۰۰۰,۰۰۰	فولاد خوزستان	۱,۵۶۹	۰/۰۰۹
مجموع			۷,۴۱۵,۵۹۳,۰۳۶	۴۲۰۴۷

مأخذ: همان.

* آمار و اطلاعات سال ۱۳۸۹، چهارماهه است.

جدول ۶ نیز، میزان سهم شرکت‌های فولاد را از واگذاری‌ها طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹ نشان می‌دهد. طبق این جدول، در طی این سال‌ها، در مجموع سهم صنایع فولاد از کل واگذاری‌ها برابر ۱۷/۷ درصد بوده که این رقم از حدود ۱ تا ۴۷ درصد در نوسان بوده است. همچنین طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹ سهم واگذاری شرکت‌های فولاد از واگذاری‌های بخش صنعت، برابر ۴۵/۶ درصد بوده است.



جدول ۶. سهم شرکت‌های فولاد از واگذاری‌ها

سال	مبلغ کل واگذاری‌ها (میلیارد ریال)	مبلغ سهام واگذار شده در بخش صنعت (میلیارد ریال)	مبلغ سهام فولاد از کل واگذاری‌ها (درصد)	سهم صنعت فولاد از واگذاری‌های بخش صنعت (درصد)
۱۳۸۴	۷۶۴	۴۵۹	۰/۳	۰/۰۶
۱۳۸۵	۳,۶۵۵	۳,۵۳۲	۱,۲۴۱	۳۵/۱
۱۳۸۶	۴۵,۰۱۸	۳۴,۳۳۲	۱۸,۵۳۳	۵۴
۱۳۸۷	۴۰,۷۶۳	۲۶,۱۶۵	۱۹,۴۰۰	۷۴/۱
۱۳۸۸	۱۱۹,۸۳۸	۲,۹۱۸	۱,۱۹۰	۴۰/۸
*۱۳۸۹	۲۸,۰۴۲	۲۴,۷۸۳	۱,۶۸۳	۶/۸
مجموع	۲۳۸,۰۸۰	۹۲,۱۹۰	۴۲,۰۴۷	۴۵/۶

مأخذ: همان.

* آمار و اطلاعات سال ۱۳۸۹، چهارماهه است.

همچنین اسامی تعدادی از شرکت‌های فولاد که بخشی از سهام آنها به طرح توزیع سهام عدالت اختصاص یافته، در جدول ۷ آمده است. طبق این جدول، بخشی از سهام شرکت‌های فولاد مبارکه، فولاد خوزستان، فولاد آلیاژی ایران، هرکدام به ترتیب، ۳۰/۳، ۳۰ و ۳۹/۵ درصد به طرح توزیع سهام عدالت اختصاص یافته است.



جدول ۷. سهام شرکت‌های فولاد واکذار شده در طرح توزیع سهام عدالت

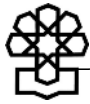
ردیف	شرکت‌های واکذار شده	درصد سهام واکذار شده
۱	فولاد مبارکه	۳۰/۲
۲	فولاد خوزستان	۳۰
۳	فولاد آلیاژی ایران	۳۹/۵

مأخذ: همان.

آمار و اطلاعات جدول ۸، فهرست شرکت‌های فولاد زیرمجموعه وزارت صنایع و معادن را که براساس آخرین اطلاعات واصله واکذار نشده‌اند، نشان می‌دهد. طبق این جدول، سهام ۶ شرکت مشمول گروه یک (شرکت ملی فولاد ایران، شرکت فولاد آذربایجان، شرکت فولاد زاگرس، شرکت آهن و فولاد ارفع، شرکت فولاد کاوه جنوب کیش، شرکت فولاد شرق کاوه) و ۲ شرکت مشمول گروه دو (شرکت ذوب آهن اصفهان و شرکت سهامی منطقه ویژه صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس) هنوز واکذار نشده‌اند. نکته اینجاست که طبق حکم بند «الف» ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم، شرکت‌های مشمول گروه یک باید تا پایان برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸) واکذار می‌شدند،^۱ اما مشاهده می‌شود که در صنایع فولاد، تعداد ۶ شرکت مشمول گروه یک وجود دارد که با گذشت یک سال از پایان برنامه چهارم توسعه، هنوز واکذار نشده‌اند.

واکذار نشدن سهام شرکت‌های موجود فولاد به دلایل متعددی است. یکی از این دلایل، عدم تمایل بخش خصوصی برای خرید سهام این شرکت‌ها می‌باشد، زیرا در

۱. البته در قانون بودجه سال ۱۳۸۹ به دولت یکسال مهلت داده شده که تا پایان سال ۱۳۸۹ برای واکذار سهام شرکت‌های باقیمانده گروه یک اقدام نماید.



وضعیت نامناسب فضای کسب‌وکار و با وجود عدم اطمینان برای سرمایه‌گذاری به دلیل وابستگی تصمیمات سرمایه‌گذاران بزرگ بخش خصوصی به تصمیمات و سیاست‌های دولت (هدفمندسازی یارانه‌ها و مشخص نبودن قیمت حامل‌های انرژی و نیز میزان و نحوه حمایت دولت از صنایع)، تمایلی برای چنین سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در بخش خصوصی وجود ندارد. مضافاً اینکه به دلیل بازار غیرمتشکل سرمایه در کشور، امکان تجمیع سرمایه‌های جزئی برای سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها وجود ندارد. از سوی دیگر، دولت به دلیل سودده بودن شرکت‌های فولاد و اینکه این شرکت‌ها امکان ایجاد اشتغال‌های مستمر و... را برای دولت فراهم می‌آورند، تمایلی به واکذار این شرکت‌ها به بخش خصوصی ندارد. ضمن آنکه سودده بودن این شرکت‌ها می‌تواند جزء عملکرد اقتصادی دولت به حساب آید و قدرت مانور زیادی را برای مدیران دولتی به وجود آورد.

جدول ۸. شرکت‌های فولاد واکذار نشده زیرمجموعه وزارت صنایع و معادن

شرکت‌های زیرمجموعه گروه یک	شرکت‌های زیرمجموعه گروه دو
شرکت ملی فولاد ایران	شرکت ذوب آهن اصفهان
شرکت فولاد آذربایجان	شرکت سهامی منطقه ویژه صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس (نورد بندر عباس - ماکو)
شرکت فولاد زاگرس	
شرکت آهن و فولاد ارفع	
شرکت فولاد کاوه جنوب کیش	
شرکت فولاد شرق کاوه	

مأخذ: همان.

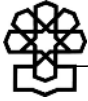


همان‌گونه که در جدول ۹ مشاهده می‌کنید در واگذاری‌های انجام شده، سهام شرکت‌های بزرگ تولیدکننده فولاد را مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و نیز شبه‌دولتی‌ها و صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌ای خریداری نموده و درصدی از سهام آنها نیز به طرح توزیع سهام عدالت اختصاص یافته است. شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی، شرکت سرمایه‌گذاری مهر اقتصاد ایرانیان، مؤسسه صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر، صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد و... از جمله شرکت‌های خریدار سهام مذکور بوده‌اند، که قطعاً با این‌گونه واگذاری‌ها، خصوصی‌سازی واقعی انجام خواهد شد و به نوعی اقتصاد از حالت دولتی به شبه دولتی گذر خواهد نمود.^۱

جدول ۹. برخی خریداران سهام شرکت‌های سازنده فولاد

نام شرکت	تاریخ واگذاری	روش واگذاری	درصد سهام واگذار شده	خریدار	ماهیت شرکت‌های خریدار
فولاد اکسین خوزستان	۸۹/۳/۲	مزایده	۴۰	گروه ملی صنعتی فولاد ایران	سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و بخش خصوصی
فولاد کرمان	۸۶/۳/۲۲	مزایده	۴۸/۴۵	تعاونی تولیدی و توزیعی فولاد کرمان	وابسته به کارکنان و کارگران فولاد کرمان که عمده سهام‌داران فولاد کرمان نیز بانک صادرات و بانک سپه می‌باشند
فولاد مبارکه	۸۶/۱۱/۲۹	بورس	۵	سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی	وابسته به سازمان تأمین اجتماعی و وزارت رفاه

۱. هادی موسوی‌نیک و همکاران، «گذر از اقتصاد دولتی به شبه‌دولتی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی،

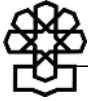


نام شرکت	تاریخ واگذاری	روش واگذاری	درصد سهام واگذار شده	خریدار	ماهیت شرکت‌های خریدار
اصفهان	۸۶/۱۲/۶	بورس	۳	سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی	وابسته به سازمان تأمین اجتماعی و وزارت رفاه
	۸۶/۱۱/۲۸	بورس	۵	مهر اقتصاد ایرانیان	وابسته به مؤسسه مالی و اعتباری مهر (مؤسسه قرض‌الحسنه بسیجیان سابق)
	۸۶/۱۱/۲۴	بورس	۲	سرمایه‌گذاری تدبیر (سهامی خاص)	نامشخص
	۸۶/۱۱/۲۴	بورس	۵	صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد	تا قبل از تصویب بودجه سال ۱۳۸۹ وابسته به سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی بوده که با تصویب بودجه سال ۱۳۸۹ مقرر گردید این صندوق وابسته به سازمان تأمین اجتماعی گردد
	-	-	۳۰/۲	سهام عدالت	-
	-	-	۸/۱	رد دیون	-
مجتمع فولاد خراسان	۸۷/۳/۲۵	بورس	۴۰/۶۳	مؤسسه صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر	وابسته به وزارت رفاه و تأمین اجتماعی می‌باشد
گروه ملی صنعتی	۸۸/۳/۶	مزایده	۹۵/۲	توسعه سرمایه‌گذاری	نامشخص



نام شرکت	تاریخ واگذاری	روش واگذاری	درصد سهام واگذار شده	خریدار	ماهیت شرکت‌های خریدار
فولاد ایران				امیرمنصور آریا	
فولاد میبد	۸۸/۸/۲۰	مزایده	۴۶/۱۳	سرمایه‌گذاری اقتصاد نوین پارسیان	سهم‌داران عمده این شرکت عبارتند از: بانک اقتصاد نوین، توسعه صنایع بهشهر، سرمایه‌گذاری ساختمان ایران، سرمایه‌گذاری سامانه استراتوس، سرمایه‌گذاری تابان نوین و...
آهن و فولاد غدیر ایرانیان	۸۸/۱۲/۱۲	مزایده	۹/۷۱	سرمایه‌گذاری غدیر و معدنی و صنعتی چادرملو	شرکت سرمایه‌گذاری غدیر، وابسته به بانک صادرات می‌باشد و سهام‌داران عمده شرکت معدنی و صنعتی چادرملو نیز عبارتند از: شرکت سرمایه‌گذاری امید، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات و نیز سهام عدالت.
فولاد آلیاژی ایران	-	-	۳۹/۵	سهام عدالت	-
فولاد خوزستان	-	-	۳۰	سهام عدالت	-

مأخذ: همان.



بنابراین با توجه به چالش‌های ناشی از واگذاری‌های انجام شده، انتظار می‌رود در واگذاری شرکت‌های باقیمانده موجود، موارد ذیل مورد نظر قرار گیرد.

اولاً تا جایی که امکان دارد، سهام شرکت‌های قابل واگذاری موجود به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی‌ها واگذار نگردد، زیرا با توجه به اینکه به نوعی مدیریت دولت بر این مؤسسات و نهادها حاکم می‌باشد، لذا با واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به این مؤسسات و نهادها امکان افزایش بهره‌وری با وجود مدیریت دولتی وجود نخواهد داشت.

در مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نظام انگیزشی مناسبی بر مدیران شرکت‌های زیرمجموعه قابل اعمال نیست، لذا در شرایط عدم استقلال مدیران، ارزیابی عملکرد آنها چندان معنی‌دار نخواهد بود. از این رو به مدیران این شرکت‌ها، پرداخت‌هایی نامتناسب با سطح عملکردشان می‌دهند و تقریباً همه مدیران شرکت‌ها بدون توجه به اندازه و ابعاد شرکتی که در آن فعالیت می‌کنند و نیز سطح عملکردشان حقوق ثابت و تقریباً نزدیک به هم دریافت می‌کنند. در واقع این مؤسسات و نهادها، تحت تأثیر سیاست‌ها و الزامات دولتی قرار دارند.

به‌عنوان نمونه رئیس سازمان تأمین اجتماعی که ریاست هیئت‌مدیره شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی را برعهده دارد، منصوب وزیر رفاه است. اگرچه رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل در شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی (برخلاف وضعیت بسیاری از شرکت‌های دولتی) مجزا هستند، ولی با



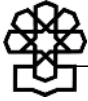
این حال رئیس هیئت‌مدیره به دلیل داشتن نقش مالکیتی^۱ و مدیریتی به‌صورت توأم، می‌تواند عامل بسیار مهمی در تسری تحولات سیاسی در بدنه شرکت و سپس شرکت‌های زیرمجموعه شستا باشد.

عدم ثبات مدیریت در شرکت‌های زیرمجموعه این مؤسسات و نهادها سبب می‌شود نوسانات سیاسی به‌ویژه بعد از آمدن دولت جدید و یا حتی تغییر وزیر رفاه تا بدنه شرکت‌های تأمین اجتماعی نیز ادامه یابد. این عامل سبب می‌شود مدیریت در شرکت‌های تأمین اجتماعی از ثبات کافی برخوردار نباشد و مکرراً دچار تغییر گردد. این‌گونه تغییرات به‌ویژه به دلیل انتصابات عمدتاً سیاسی و نه تخصصی در شرکت‌هایی نظیر شستا می‌تواند هزینه‌های هنگفتی را به سازمان مالک تحمیل کند.

بنابراین انتصابات غیرتخصصی مدیران در شرکت‌ها و عدم استقلال آنها در اداره شرکت‌ها امکان ارزیابی صحیح و دقیق عملکرد آنها را سلب می‌کند. عدم امکان ارزیابی عملکرد مدیران نیز سبب می‌شود نتوان مکانیسم مؤثری برای نظام انگیزشی آنها به‌ویژه درخصوص پرداخت‌ها، جبران خدمات و پاداش طراحی و اجرا کرد. این موضوع یکی از مهمترین چالش‌های عدم کارآیی و حتی بروز فساد در شرکت‌هایی است که به نوعی مدیریت انتصابی دولتی بر آنها حاکم است.^۲

۱. زیرا ۱۰۰ درصد سهام شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) در اختیار سازمان تأمین اجتماعی است و رئیس سازمان تأمین اجتماعی که مجمع عمومی شرکت محسوب می‌شود همزمان ریاست هیئت‌مدیره را نیز برعهده دارد.

۲. البته باید توجه کرد که برای شرکت‌های زیرمجموعه مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، کارآیی و سوددهی بجز در برخی شرایط خاص، دارای مفهومی مبهم و غیرقابل قضاوت است. علت این امر، نحوه تعامل این شرکت‌ها با سازمان‌های مسئول است. بسیاری از این شرکت‌ها از دارایی‌های بخش عمومی استفاده می‌کنند بدون اینکه این دارایی‌ها متعلق به آنها باشد و هزینه اجاره یا استهلاک برای آنها منظور کنند. یا بعضی از شرکت‌های



از آنجا که از مهمترین عوامل محرک بیرونی در هر شرکتی، شرایط حاکم بر ساختار بازارهاست و ویژگی مهم بازارها در اقتصاد ایران این است که به‌شدت تحت تأثیر سیاست‌ها و تصمیمات دولتی قرار دارند. از این‌رو بازار برخی کالاها منحصراً در اختیار دولت قرار دارد. در بازارهای مالی دولت مهمترین ابزارها از قبیل بانک‌ها و نهادهای مالی مختلف را کاملاً در اختیار دارد. بازار سرمایه نیز از یک طرف تحت نفوذ وزارت امور اقتصادی و دارایی بوده و از طرف دیگر بیشترین سرمایه نیز موجود در آن متعلق به دولت و شرکت‌های دولتی است، لذا بعید نیست که در تدوین و چگونگی اجرای مقررات، میل و خواست مدیران منصوب دولتی، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. برای مثال می‌توان به منافع شرکت‌های خودروسازی اشاره کرد که چگونه نظام وام‌دهی بانک‌ها و به‌طور کلی بازار پولی - مالی را شکل می‌دهد، لذا این موضوع باعث ایجاد انحصار و عدم ایجاد فضای رقابتی برای فعالیت بنگاه‌های اقتصادی خصوصی می‌شود. سایر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی نیز مانند سازمان تأمین اجتماعی بخشی از دولت هستند و یا مثل بنیاد مستضعفان و جانبازان، بخشی از حکومت بوده و ابزارهای خود را برای تأثیرگذاری در بازار داشته و از آن استفاده می‌کنند.^۱

مذکور از منابع طبیعی و منابع ملی استفاده می‌کنند بدون اینکه برای آن هزینه‌ای بپردازند و در دفاتر خود منظور کنند. در مقابل بعضی از آنها موظفند کالاهای تولیدی خود را با قیمت‌های کمتر از واقع عرضه کنند. مجموعه این شرایط سبب می‌شود سودی که این شرکت‌ها اعلام می‌کنند معیار قابل اعتمادی نباشد. مگر در مورد شرکت‌هایی با شرایط ویژه (مثلاً در مورد شرکت‌های عمومی پذیرفته شده در بورس)، سود می‌تواند معیار قابل اعتمادتری باشد. منبع یا سندی اگر وجود دارد ذکر شود.

۱. محسن فاتحی‌زاده، «مقایسه نحوه شرکت‌داری دولت، سازمان تأمین اجتماعی و بنیاد مستضعفان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.



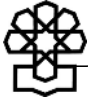
ثانیاً سهام شرکت‌های مذکور بابت رد دیون به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی‌ها واگذار نشود، زیرا در صورت واگذاری سهام این شرکت‌ها بابت رد دیون به این مؤسسات و نهادهای، چالشی که در بند قبل مطرح شد همچنان پابرجا خواهد بود.

ثالثاً در صورت امکان، سهام شرکت‌های مذکور در قالب طرح توزیع سهام عدالت واگذار نشود، زیرا واگذاری این سهام به سهام‌داران عدالت، علاوه‌بر ایجاد چالش در مدیریت شرکت‌های مذکور، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای شرکت‌های مذکور را از نظر منبع تأمین مالی با مشکل مواجه می‌سازد. به‌عنوان نمونه، واگذاری بخشی از سهام پالایشگاه اصفهان به طرح توزیع سهام عدالت، باعث بروز مشکلاتی برای این شرکت شده است، زیرا سهام‌داران عدالت در این شرکت، حاضر به سرمایه‌گذاری سود خود نبوده و طرح‌های توسعه‌ای این شرکت را با مشکل تأمین منابع روبرو کرده‌اند. مضافاً اینکه این سهام‌داران با انتشار اوراق مشارکت از سوی شرکت مذکور برای تأمین مالی پروژه‌های خود نیز مخالف بوده‌اند.

۵. چالش‌های پیش روی خصوصی‌سازی صنعت فولاد

۱-۵. نبود بازار سرمایه متناسب با حجم واگذاری‌ها

یکی از معضلاتی که در اجرای برنامه خصوصی‌سازی در کشور مطرح است، حجم پایین بازار سرمایه در مقایسه با میزان واگذاری سهام شرکت‌های دولتی خصوصاً شرکت‌های بزرگ فولاد همچون فولاد مبارکه و ذوب‌آهن اصفهان می‌باشد، زیرا بازار



سرمایه ایران به دلیل نوپا بودن، کشش پذیرش حجم عظیم واگذاری سهام شرکت‌های بزرگ دولتی را ندارد و به همین دلیل است که اکثر سهام شرکت‌های بزرگ به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی‌ها واگذار شده‌اند. در واقع بخش خصوصی واقعی در کشور ما، توانایی سرمایه‌گذاری در صنایع بزرگ و سرمایه‌بر را ندارد. البته سرمایه‌های پراکنده در دست سرمایه‌گذاران خرد، به دلیل عدم ورود به بازار سرمایه، در این مسیر حرکت نمی‌کند. از طرف دیگر در دنیا برخی صنایع سرمایه‌بر از جمله فولاد، در ظرفیت‌های بین ۳ الی ۵ میلیون تن در سال از توجیه اقتصادی برخوردار می‌گردند که این حجم عظیم تولید نیز نیاز به سرمایه‌گذاری بسیار بالایی دارد و این موضوع امکان سرمایه‌گذاری به صورت سهامی خاص در این صنایع را در حد چشمگیری کاهش می‌دهد. برای سرمایه‌گذاری به صورت سهامی عام نیز، حجم بازار سرمایه قادر به جذب چنین سرمایه‌هایی نیست.

۲-۵. عدم واگذاری مدیریت همزمان با واگذاری مالکیت

یکی دیگر از چالش‌های پیش روی خصوصی‌سازی در صنعت فولاد، عدم واگذاری مدیریت شرکت‌های فولاد، به بخش غیردولتی است. البته این موضوع دلایل ساختاری و نهادی بسیاری از جمله سودده بودن شرکت‌های فولاد و... دارد. همان‌گونه که در جداول پیشین مشاهده می‌شود، عمده سهام شرکت‌های فولاد در قالب سهام ترجیحی، تدریجی و بلوکی در بورس اوراق بهادار واگذار شده و بخشی از سهام نیز در قالب طرح سهام عدالت واگذار شده است، اما مهمترین بحث در این واگذاری‌ها این است که علیرغم واگذاری عمده سهام این شرکت‌ها، هنوز در شرکت‌های بزرگ فولاد، همچون

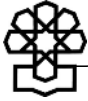


فولاد مبارکه، مدیریت بخش دولتی بر این شرکت‌ها حاکم بوده و تمامی تصمیم‌گیری‌ها در این حوزه از طرف وزارت صنایع و معادن صورت گرفته و ابلاغ می‌شود.^۱

۳-۵. واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های فولاد به سهام عدالت

یکی دیگر از مشکلات خصوصی‌سازی شرکت‌های فولاد، واگذاری بخشی از سهام این شرکت‌ها به طرح توزیع سهام عدالت می‌باشد. طبق آمار و اطلاعات جداول پیشین، بیش از ۳۰ درصد سهام شرکت‌های فولاد مبارکه، فولاد خوزستان و فولاد آلیاژی ایران در قالب طرح توزیع سهام عدالت واگذار شده است. مشکلاتی زیادی از سوی این سهام‌داران بر شرکت‌های فولاد مترتب است. در واقع سهام‌داران عدالت عمدتاً از دهک‌های پایین‌درآمدی هستند و با نگاه درآمدی به این سهام می‌نگرند، بنابراین در پایان هر سال مالی این سهام‌داران متقاضی دریافت سود سهام خود می‌باشند، درحالی که شرکت‌های مذکور برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای خود به این منبع مالی نیازمند بوده و تمایلی به تقسیم کامل سود سهام بین سهام‌داران ندارند. با این ترتیب این موضوع، تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای شرکت‌های فولاد را با مشکل مواجه می‌نماید. از سوی دیگر، از آنجا که سهام‌داران عدالت اکثراً از دهک‌های پایین‌درآمدی هستند، لذا تخصص و تجربه کافی برای مدیریت چنین شرکت‌های بزرگی را ندارند، بنابراین مدیریت سهام‌داران عدالت بر این شرکت‌ها نیز بر سایر مشکلات می‌افزاید.

۱. الزام به استخدام تعدادی از کارکنان در برخی شرکت‌های فولاد از سوی دولت یکی از این مداخلات است.



۴-۵. دستوری بودن تولید و عدم موازنه عرضه متناسب با تقاضای موجود با توجه به برنامه‌ای بودن تولید فولاد، الزام شرکت‌های بزرگ فولاد به تولید حداقلی از فولاد برنامه‌ریزی شده، منجر به عدم عرضه متناسب با میزان تقاضا می‌شود. همان‌گونه که در جدول ۱۰ آمده است، حجم مشخصی از تولید فولاد خام و محصولات فولادی و سطح مشخصی از صادرات محصولات فولادی برای سال‌های برنامه چهارم توسعه در نظر گرفته شده است. در واقع، هنگام افت شدید قیمت‌های فولاد، به دلیل دستوری بودن میزان حداقل تولید، حجم مشخصی از فولاد توسط شرکت‌های بزرگ فولاد تولید می‌گردد که همین موضوع، افزایش عرضه و کاهش قیمت فولاد در بازار داخلی را موجب می‌شود و این امر باعث تحمیل زیان هنگفتی به کارخانجات خصوصی تولیدکننده فولاد می‌گردد، زیرا کارخانجات خصوصی عمدتاً در ظرفیت‌های پایین تأسیس شده‌اند و علی‌القاعده از صرفه‌های ناشی از مقیاس برخوردار نیستند، لذا تنظیم بازار داخلی با استفاده از دستوری بودن تولید توسط کارخانجات بخش دولتی، باعث عدم رقابتی بودن تولید فولاد کشور خصوصاً در بخش پایین‌دستی می‌گردد که این موضوع در قیمت‌های پایین فولاد بسیار مشهودتر است، زیرا در این وضعیت، شرکت‌های بخش خصوصی به‌خاطر پایین بودن قیمت فولاد، کمتر از ظرفیت بالفعل تولید می‌کنند که این موضوع باعث متضرر شدن آنها می‌شود. البته این کاهش شدید قیمت، باعث زیان کارخانجات نیمه‌خصوصی نیز می‌شود. در هنگام افزایش قیمت فولاد نیز، به دلیل الزام به تنظیم بازار داخلی توسط شرکت‌های بزرگ و نداشتن مجوز برای صادرات، اکثر بازارهای صادراتی به‌وجود آمده، از دست رفته و سود ناشی از صادرات برای این صنعت در میان‌مدت از بین



می‌رود، که این امر منجر به کاهش سود خالص شرکت‌های فولاد در کشور می‌شود. در واقع دستوری بودن تولید در بازار فولاد، انگیزه مشارکت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در این صنعت را از بین خواهد برد.

جدول ۱۰. اهداف کمی برنامه چهارم توسعه در صنعت فولاد

هدف کمی برنامه	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	متوسط نرخ رشد (درصد)
تولید فولاد خام (میلیون تن)	۹	۱۰	۱۱	۱۳	۱۴/۲	۲۴/۵	۲۲/۲
تولید محصول فولادی (میلیون تن)	۱۰/۴	۱۴	۱۶/۵	۱۷/۷	۲۰	۲۱	۱۵/۱
صادرات محصولات فولادی (میلیون دلار)	۶۲۰	۸۳۴/۶	۹۸۳/۷	۱۰۵۵/۲	۱۱۵۰	۱۲۶۰	۱۵/۲

مأخذ: جداول کلان برنامه چهارم توسعه، (مصوب سال ۱۳۸۳).

آمار جدول ۱۱، تولید فولاد خام و محصولات فولادی توسط بخش‌های خصوصی و دولتی در طول سال‌های برنامه چهارم توسعه را نشان می‌دهد. در طی این سال‌ها و به خصوص بعد از اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم اساسی، تولید فولاد خام توسط بخش خصوصی از رشدی قابل ملاحظه نسبت به سال‌های قبل برخوردار بوده، اما تولید محصولات فولادی توسط بخش خصوصی رشد ناچیزی را داشته است. نکته قابل توجه اینکه، در طی سال‌های بعد از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم اساسی، اگرچه تولید فولاد خام و محصولات فولادی توسط بخش خصوصی رشد داشته است، اما نسبت تولید فولاد خام و محصولات فولادی بخش خصوصی به بخش



دولتی در بهترین حالت، حتی کمتر از ۰/۴ بوده است. که این نشان از مشارکت نامحسوس بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری و تولید فولاد دارد. در واقع کاهش نسبت تولید فولاد در بخش خصوصی به بخش دولتی در سال‌های اخیر، بیانگر رشد سریع‌تر و فزاینده تولید این محصول توسط بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی است.

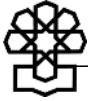
جدول ۱۱. تولیدات شرکت‌های فولاد در طول برنامه چهارم توسعه (میلیون تن)

نوع محصول	بخش تولیدکننده					نرخ رشد		
	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴			
فولاد خام	دولتی		۱۰,۵۰۰,۰۰۰	۱۰,۴۵۰,۰۰۰	۱۰,۲۰۰,۰۰۰	۹,۹۲۰,۰۰۰	۹,۵۷۰,۰۰۰	میزان تولید
	خصوصی		۰/۴۷	۲/۴	۲/۹	۳/۶	-	نرخ رشد
	نسبت تولید بخش خصوصی به بخش دولتی		۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۱۶	۰/۰۱۷	۰/۰۱۶	نسبت تولید بخش خصوصی به بخش دولتی
	مجموع		۱۰,۵۰۰,۰۰۰	۱۰,۴۵۰,۰۰۰	۱۰,۲۰۰,۰۰۰	۹,۹۲۰,۰۰۰	۹,۵۷۰,۰۰۰	میزان تولید
محصولات فولادی	دولتی		۴,۰۴۴,۰۰۰	۳,۱۷۵,۰۰۰	۳,۵۱۰,۰۰۰	۲,۱۵۰,۰۰۰	۷۰۰,۰۰۰	میزان تولید
	خصوصی		-	-۲/۱	۰/۴	۳/۶	-	نرخ رشد
	نسبت تولید بخش خصوصی به بخش دولتی		-	۰/۳۱	۰/۳۴	۰/۲۱	۰/۰۷	نسبت تولید بخش خصوصی به بخش دولتی
	مجموع		۴,۰۴۴,۰۰۰	۳,۱۷۵,۰۰۰	۳,۵۱۰,۰۰۰	۲,۱۵۰,۰۰۰	۷۰۰,۰۰۰	میزان تولید

مأخذ: با استفاده از گزارش عملکرد بخش صنعت، وزارت صنایع و معادن، انجمن تولیدکنندگان فولاد، ۱۳۸۹.



یکی از محورهای مهم سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم در راستای توسعه بخش غیردولتی، علاوه بر واگذاری فعالیت‌های تحت تصدی دولت به این بخش، آزادسازی ورود بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی (۱۰۰ درصد فعالیت‌های خارج صدر اصل چهل و چهارم و ۸۰ درصد فعالیت‌های صدر اصل چهل و چهارم قانون اساسی) می‌باشد. درحالی که آمار و اطلاعات ارائه شده فوق‌الذکر درخصوص تولید فولاد و محصولات فولادی توسط بخش خصوصی و دولتی، این موضوع را تأیید نمی‌کند (برای تأیید بیشتر این موضوع، آماری در رابطه با تعداد شرکت‌های جدید فولاد تأسیس شده توسط بخش خصوصی، آماری در دست نیست). البته پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، طبق جدول ۱۲، تعداد ۶ شرکت تولیدکننده فولاد و محصولات فولادی نیز با مشارکت سازمان‌های توسعه‌ای و بخش غیردولتی به ارزش ۱۳۰۳۰ میلیارد ریال تأسیس شده‌اند، اما آنها نیز نتوانسته‌اند سهم تولید فولاد توسط بخش خصوصی را افزایش دهند. این موضوع می‌تواند ناشی از این باشد که این شرکت‌های جدیدالتأسیس، هنوز به مرحله بهره‌برداری نرسیده‌اند. لازم به توضیح است که دولت به بهانه توسعه مناطق کمترتوسعه‌یافته، اقدام به سرمایه‌گذاری و تأسیس شرکت‌های گروه یک نموده که این برخلاف جهت‌گیری سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی است. به عبارت دیگر دولت با مجوزی که در تبصره «۳» بند «الف» ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی دارد، بدون برنامه مشخص، به بهانه توسعه مناطق کمترتوسعه‌یافته، در فعالیت‌های گروه یک به خصوص صنعت



فولاد سرمایه‌گذاری نموده است.^۱ درحالی که دولت می‌توانست این تسهیلات را در اختیار بخش خصوصی قرار دهد تا سرمایه‌گذاری‌ها توسط این بخش صورت گیرد. معضل مهمی که از جانب سرمایه‌گذاری‌های بی‌برنامه دولت بر فعالیت‌های بخش خصوصی مترتب می‌باشد این است که دولت بدون توجه به سهم بازار داخلی و خارجی محصولات، سرمایه‌گذاری‌های خود را انجام می‌دهد. که این موضوع افزایش میزان تولید توسط شرکت‌های مختلف را موجب می‌گردد. در واقع افزایش میزان تولید، در صورت کاهش قیمت‌ها، موجب کاهش کیفیت محصولات (به‌منظور جبران ضرر ناشی از کاهش قیمت) شده که این امر نیز کاهش قدرت رقابتی و از دست دادن بازار صادراتی برای محصولات تولید شده را در پی خواهد داشت.

۱. البته بخش کمی از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در مناطق کمترتوسعه‌یافته در صنعت فولاد می‌باشد. در این رابطه دولت سرمایه‌گذاری‌هایی را از محل تبصره مذکور انجام داده است که منطقی نمی‌توان آنها را در راستای توسعه مناطق مذکور تلقی کرد.

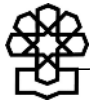


جدول ۱۲. شرکت‌های جدیدالتأسیس فولاد

(مشارکت سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران با بخش غیردولتی)

ردیف	میزان تولید	نام شرکت	میزان سرمایه‌گذاری (میلیارد ریال)
۱	طرح احیای واحد آهن و فولاد ارفع اردکان تولید ۸۰۰ هزار تن آهن اسفنجی در سال	شرکت آهن و فولاد ارفع	۱,۰۹۰
۲	فولاد ارفع کارخانه فولادسازی به ظرفیت ۸۰۰ هزار تن	شرکت آهن و فولاد ارفع	۱,۸۴۰
۳	فولاد کاوه- جنوب احداث واحد احیا به ظرفیت ۱/۶ میلیون تن آهن اسفنجی در سال	شرکت فولاد کاوه جنوب کیش	۲,۱۲۰
۴	فولاد شرق کاوه احداث واحد احیا به ظرفیت ۸۰۰ هزار تن آهن اسفنجی در سال	شرکت فولاد شرق کاوه	۱,۳۸۰
۵	فولاد شرق کاوه احداث کارخانه فولادسازی به ظرفیت ۷۵۰ هزار تن در سال	شرکت فولاد شرق کاوه	۲,۲۵۰
۶	فولاد کاوه- جنوب احداث واحد فولادسازی به ظرفیت ۱/۲ میلیون تن در سال	شرکت فولاد کاوه	۴,۳۵۰
مجموع سرمایه‌گذاری		۶ واحد	۱۳,۰۳۰

مأخذ: گزارش عملکرد تبصره (۳) بند «الف» ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، ۱۳۸۹.



۵-۵. هدفمندسازی یارانه‌ها و خصوصی‌سازی صنایع فولاد

یکی از مشکلاتی که آینده خصوصی‌سازی برخی صنایع، خصوصاً صنایع انرژی‌بر را با چالش مواجه کرده است، موضوع هدفمندسازی یارانه‌ها و افزایش قیمت حامل‌های انرژی می‌باشد. در واقع، اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و به تبع آن افزایش قیمت گاز طبیعی و برق، با متأثر کردن هزینه‌های سربار شرکت‌های فولاد، بر میزان سوددهی این شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد.^۱ ضمناً این شرکت‌ها به دلیل استفاده از تکنولوژی قدیمی و انرژی‌بر، در حال حاضر دارای میزان مصرف انرژی بیش از حد استاندارد هستند. بنابراین این موضوع باعث کاهش تمایل بخش خصوصی برای ورود به این صنعت و سرمایه‌گذاری در آن شده است، لذا رفع این معضل نیازمند حمایت جدی از صنایع فولاد در کشور می‌باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

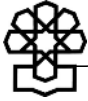
با توجه به لزوم شناسایی چالش‌های اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و رفع این چالش‌ها در راستای تحقق اهداف سیاست‌های مذکور، وضعیت خصوصی‌سازی و اجرای این سیاست‌ها در صنایع فولاد مورد بررسی قرار گرفت. بررسی حاضر نشان می‌دهد در طول سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹ سهم واگذاری سهام شرکت‌های دولتی در بخش صنعت نسبت به کل واگذاری سهام شرکت‌های دولتی، هر سال حدود ۶۰ الی ۷۰ درصد

۱. علیرضا، یآوری و همکاران «تأثیر افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر سوددهی شرکت‌های صنعتی، مطالعه موردی شرکت‌های فولاد فعال در بورس»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.



بوده است. البته در طول این دوره، سهم واگذاری سهام شرکت‌های سازنده فولاد از کل واگذاری سهام شرکت‌های دولتی و نیز واگذاری سهام شرکت‌های دولتی در بخش صنعت به ترتیب برابر ۱۷/۷ و ۴۵/۶ درصد بوده است.

آمار واگذاری شرکت‌های فولاد نشان می‌دهد، بیش از ۳۰ درصد سهام شرکت‌های فولاد مبارکه، فولاد خوزستان و فولاد آلیاژی ایران به سهام عدالت اختصاص یافته و بخشی از سهام شرکت‌های دولتی نیز بابت رد دیون به این مؤسسات و نهادها واگذار شده است. ضمناً علاوه بر سهامی که این مؤسسات و نهادها از قبیل رد دیون تصاحب کرده‌اند، این مؤسسات و نهادها، خریدار بخشی از سهام شرکت‌های بزرگ فولاد نیز بوده‌اند، که این میزان سهام خریداری شده اخیر، در آمار اعلام شده از سوی دولت در قالب واگذاری سهام به بخش خصوصی ارائه شده است. این نوع واگذاری، انحرافی است از واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی (و نه شبه‌دولتی). واگذاری سهام به این مؤسسات و نهادها نیز مشکلاتی همچون مدیریت مجدد دولت بر شرکت‌های واگذار شده و نیز عدم افزایش کارآیی در این شرکت‌ها و... را در پی خواهد داشت. البته سهام برخی از شرکت‌های سازنده فولاد نیز که باید براساس قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی به بخش غیردولتی واگذار می‌شدند، به دلایلی هنوز واگذار نشده‌اند. خاطر نشان می‌سازد، با توجه به لزوم اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و واگذاری فعالیت‌ها در صنعت فولاد و نیز حکم به آزادسازی ورود بخش خصوصی به این صنعت، عملکرد تولیدات و نیز سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت فولاد، اجرای این سیاست‌ها را تأیید نمی‌نماید، زیرا در سال‌های اخیر و خصوصاً پس



از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی، روند نسبت تولیدات بخش خصوصی به بخش دولتی در صنعت فولاد نه تنها در حال کاهش بوده، بلکه قابل مقایسه با بخش دولتی نیز نمی‌باشد.

در هر حال با توجه به وضعیت موجود واگذاری سهام شرکت‌های دولتی در صنایع فولاد، چالش‌های متعددی در دستیابی به اهداف سیاست‌های کلی اصل چهارم از جانب صنعت فولاد وجود دارد.

یکی از این چالش‌ها، نبود بازار سرمایه منسجم و متناسب در کشور برای جمع سرمایه‌های بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در صنایع بزرگ و سرمایه‌بر از جمله فولاد می‌باشد. از طرفی بخش خصوصی که به صورت خاص توانایی سرمایه‌گذاری در این صنعت را داشته باشد، انگشت‌شمار است که آن هم به دلایلی از جمله عدم اطمینان به سیاست‌های اقتصادی دولت و ریسک سرمایه‌گذاری در کشور، تمایلی به سرمایه‌گذاری در این صنایع را ندارد.

مداخله دولت در مدیریت شرکت‌های واگذار شده فولاد، یکی دیگر از معضلات اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی در صنایع مذکور می‌باشد. به عبارت دیگر، دولت با واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های مذکور به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی‌ها و نیز واگذاری بخشی از این سهام به این مؤسسات و نهادها بابت رد دیون، عملاً به نوعی مدیریت خود را بر شرکت‌های واگذار شده پابرجا نگه می‌دارد که این امر به نوبه خود باعث عدم تمایل بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها می‌شود و به دنبال آن با توجه به مدیریت مجدد دولتی این شرکت‌ها، امکان افزایش بهره‌وری در این شرکت‌ها دور از انتظار است.



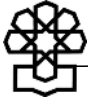
واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های فولاد به سهام عدالت نیز باعث ایجاد مشکلاتی برای شرکت‌های مذکور گردیده که قطعاً دستیابی به اهداف سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی را با چالش مواجه می‌کند، زیرا ترجیح سهام‌داران عدالت برای دریافت سود سهام خود نسبت به سرمایه‌گذاری این سود در شرکت‌های فولاد، طرح‌های توسعه‌ای این شرکت‌ها را با کمبود منابع مالی مواجه ساخته و مدیریت این سهام‌داران بر شرکت‌های مذکور، تصمیم‌گیری‌ها را دشوار می‌سازد.

یکی دیگر از چالش‌های اجرای برنامه خصوصی‌سازی در صنایع فولاد، دستوری بودن میزان تولید فولاد خام و محصولات فولادی در این صنعت از سوی دولت است که این موضوع، به دنبال نوسان قیمت‌های فولاد، باعث از دست رفتن بازارهای داخلی و خارجی برای شرکت‌های فعال در این صنعت شده و انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری و فعالیت در این صنعت را کاهش می‌دهد.

از چالش‌های مهم دیگری که بر انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در صنایع فولاد اثر می‌گذارد، موضوع هدفمندسازی یارانه حامل‌های انرژی است، زیرا با اجرای این طرح و با توجه به تکنولوژی فعلی (انرژی‌بر) مورد استفاده در این صنعت در کشور، سوددهی شرکت‌های فولاد و انگیزه سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در این صنعت کاهش می‌یابد.

لذا با توجه به نتایج بررسی به عمل آمده، برای بهبود وضعیت خصوصی‌سازی در صنعت فولاد و دستیابی به اهداف سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی از ناحیه این صنعت، پیشنهاد می‌شود:

۱. سهام شرکت‌های فولاد که هنوز طبق برنامه خصوصی‌سازی واگذار نشده‌اند،



در قالب طرح توزیع سهام عدالت و نیز به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شبه‌دولتی‌ها واگذار نگردند.

۲. اقدامات لازم در جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی برای خرید سهام شرکت‌های فولاد صورت گیرد.

۳. با توجه به اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، حمایت‌های لازم برای حفظ سوددهی این صنایع و نیز تغییر تکنولوژی (انرژی‌بر) مورد استفاده صنایع مذکور، صورت گیرد.

۴. مدیریت و مالکیت شرکت‌های فعال در این صنعت به‌طور همزمان واگذار گردد و از مداخلات دولت در امور مدیریتی این شرکت‌ها کاسته شود.

۵. برنامه مشخصی برای جذب سرمایه‌گذاران جدید بخش خصوصی اعم از داخلی و خارجی تدوین و اجرا شود. در واقع وضعیت میزان تولید فولاد توسط بخش خصوصی و دولتی مشخص باشد و تسهیلات لازم در اختیار فعالان متقاضی سرمایه‌گذاری در این بخش قرار گیرد. به عبارت دیگر، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی دولت به نحوی باشد که باعث ایجاد اختلال در تولید و سرمایه‌گذاری در این صنعت نگردد.



۱. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، (مصوب سال ۱۳۸۷).
۲. سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶.
۳. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، (مصوب سال ۱۳۸۳).
۴. گزارش عملکرد بخش صنعت، وزارت صنایع و معادن، انجمن تولیدکنندگان فولاد، ۱۳۸۹.
۵. گزارش عملکرد اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، سازمان خصوصی‌سازی، مردادماه ۱۳۸۹.
۶. آیین‌نامه اجرایی «تشخیص، انطباق و طبقه‌بندی فعالیت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی»، (مصوب سال ۱۳۸۸ هیئت وزیران).
۷. قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور.
۸. فاتحی‌زاده، محسن. «مقایسه نحوه شرکت‌داری دولت، سازمان تأمین اجتماعی و بنیاد مستضعفان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۹. یاور و همکاران، علیرضا. «تأثیر افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر سوددهی شرکت‌های صنعتی: مطالعه موردی شرکت‌های فولاد فعال در بورس»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
۱۰. موسوی‌نیک و همکاران، هادی. «گذر از اقتصاد دولتی به شبه‌دولتی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۴۹۹

عنوان گزارش: خصوصی‌سازی در بخش صنعت (با تأکید بر صنایع فولاد)

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه بخش عمومی)

تهیه و تدوین: امید عطائی

همکار: فرید دهقانی (دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن)

ناظر علمی: علی نصیری‌اقدم

منتقاضی: سیدشریف حسینی (نماینده اهواز در مجلس شورای اسلامی)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. خصوصی‌سازی

۲. صنعت

۳. واگذاری

۴. فولاد

۵. سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۸/۲۳